



شروط یک دوست از نگاه بزرگ‌ترین دوستان خدا

نکنی و خوب و بد را از آن دست‌ور نگیری، شخصیت و ارزشت برابر می‌شود با احساسات بی‌اساس و بی‌پایه. کسی نمی‌تواند روی تو حساب بکند، یا کاری به تو بسپارد، تحقیق تحویل بدهد و مسئولیتی را به تو بسپارد. می‌گویند فلانی خیلی باهوش و زیرک است، یا در فلان موقعیت خوب عقلش را به کار انداخت، نزد به جاده خاکی. یا فلانی خیلی جَنَم دارد. می‌شود به او اعتماد کرد. پس روی این قوه خیلی کار کنید. یک شعر از فردوسی برایت بخوانم تا حال و هوایت عوض شود:

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد
ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای
خرد دست‌گیرد به هر دو سرای

شرط بعدی اعتدال و میانه‌روی است. تا به حال اعتدال و میانه‌روی در دوستی به گوشنتان خورده است؟ شخصی که پارسا و خردمند باشد، در عین حال که با دوستان خودش متواضع است و با فروتنی برخورد و تعامل می‌کند، حقوق و آداب دوستی را می‌شناسد و به آن حقوق مثل عهد پایبند است. شنیده‌ای می‌گویند اسرار را حتی به دوستت نگو؟ چون یک روز ممکن است همان دوستت، دشمنت بشود. اسرار و رموز خانواده‌ات و حتی خودت را به کسی نگو. بگذار این‌ها در دل خودت بماند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «أَحْبِبْ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَّا، عَسَى أَنْ يَكُونَ بِغَيْضِكَ يَوْمًا مَّا، وَأَبْغُضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَّا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَّا: دوست خود را در حد اعتدال دوست بداد، چراکه ممکن است روزی دشمن تو شود و نیز دشمنت را همان حد دشمن بداد، زیرا ممکن است روزی دوست تو شود.» (حکمت ۲۶۸ نهج البلاغه).

اصل بعد، آزمایش! امتحان کردن. تا حالا دوستت را امتحان کرده‌ای؟ آزمایشش کرده‌ای ببینی چقدر در دوستی با تو مصمم و راسخ است؟

تا حالا به این فکر کرده‌ای آیا رفقای تو می‌توانند در پیشرفت تأثیری داشته باشند؟ در هر زمینه‌ای؛ چه درسی و چه غیردرسی. و تا حالا فکر کرده‌ای با هر کدام از این دوستان، چطور آشنا شده‌ای؟ جرعه‌آشنایی و دوستی‌تان از کجا خورده است؟ تا حالا برای حریم خودت، چارچوب، اصول، خط قرمز یا چیزهایی از این قبیل تعیین کرده‌ای؟ بیا یک مقدار بی‌تعارف‌تر با هم حرف بزنیم. تا به حال پیش آمده دوستت خصلتی داشته باشد که نتوانی تحمل کنی و با خودت بگویی چطور از او فاصله بگیرم که ناراحت نشود؟!

دوست خوب! دوستی یک مجموعه شرایط و اصول دارد. از اولین شرایط که خیلی مهم است، **ایمان و پارسایی** است. وقتی می‌گوییم ایمان، منظور این نیست که هرروز مسجد و هیئت بروید. نه! خودت و دوستت از نظر ایمانتان به موضوعات اخلاقی، اعتقادی و عبادی چه اشتراک‌هایی دارید؟ خوب و بد را می‌توانید تشخیص بدهید؟ ایمان روی گفتار و کردارتان چطور اثر کرده است؟ چشم‌هایتان کجاها را می‌بیند؟ گوشنتان به چه چیزهایی گوش می‌دهد؟ هردوی شما امانت‌دار هستید؟ رازدار هم هستید؟ و حالا اگر بخواهم از لحاظ دینی سؤال بپرسم، حواستان به حلال و حرام خدا هست؟ یا برای اینکه مورد تمسخر قرار نگیرید، هر کاری می‌کنید؟ ببین چرا می‌گویم هردوی شما؟ به خاطر اینکه نگاهی هم به خودت بیندازی و به حساب خودت هم برسی.

شرط دوم عقل است. یک ضرب‌المثل از بزرگ‌ترها را احتمالاً شنیده‌ای که می‌گویند: «اگر عقل نباشد، جان در عذاب است.» واقعاً اگر عقل نباشد، جان (روح و جسم) هردو در عذاب هستند؛ چرا؟ چون من با عقلم می‌توانم واقعیت را پیدا کنم، نه با احساساتم. با عقل است که می‌توانم در زمینه‌های گوناگون مثل روابط با خانواده، دوستان، همکاران، هم‌محلای‌ها، معلم‌ها، مردم در اتوبوس و مترو پیشرفت کنم. خودت یا دوستت فرقی ندارد. اگر از این نعمت خدادادی استفاده نکنی، معیار شخصیت و ارزشنت مشخص نمی‌شود. از قدیم گفته‌اند، عقل معیار سنجش خوب و بد است. حالا جناب‌عالی اگر به عقلت رجوع



حالا همان شرط اول اینجا خودش را نشان می‌دهد. همان طور که گفتیم، ایمان هر کس در رفتار و صحبتش مشخص می‌شود. پس از این راه می‌توانیم دوستانمان را محک بزنیم. به خصوص مواقعی که امکان ظاهر سازی و فیلم بازی کردن وجود نداشته باشد. وقتی می‌گویم آزمایش، به این معنا نیست که از دوستت آزمون هوش بگیری یا خودت را به مردن بزنی ببینی چکار می‌کند! منظور همانی است که برای توضیح دادم؛ ایمان و تأثیرش در عمل.

این سخن از مولا امام علی (ع) خلاصه تمام صحبت‌هاست که فرمودند: «مردم جز با امتحان شناخته نمی‌شوند. همسر و فرزندان را در غیاب خود، دوستت را در موقع مصیبت و سختی، خویشاوندان را در زمان جدایی، و علاقه‌مندان را در زمان نیازمندی امتحان کن تا از این طریق قدر و منزلت تو نزد آنان روشن شود» (بحار الانوار، جلد ۷۵، ۲۵۱).

شما چه شرط دیگری برای دوستی دارید؟

شاید از خودت بپرسی چطور می‌توانم از وجود صفت شایسته و خوب در دوستم یا شخص مورد نظرم اطمینان حاصل کنم؟ و ببینم انتخابم درست بوده است یا نه؟ نظر دین ما این است که رفیقت را آزمایش کن. امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ إِتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْإِخْتِبَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَ تَأَكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ وَ مَنْ إِتَّخَذَ مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارٍ أَلْجَأَهُ الْإِضْطِرَارُ إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ: کسی که پس از آزمایش، دوستی برگزیند، رفاقتش پایدار و مودتش استوار خواهد ماند و کسی که نسنجیده و بدون آزمایش با دیگری پیمان دوستی بندد، ناچار به رفاقت اشرار و افراد فاسد تن در می‌دهد» (غررالحکم، ص ۴۱۶).

آقا! خانم! من چطور باید دوستم را امتحان کنم؟ خیلی ساده است. به عملکرد دوستانتان نگاه کنید. به حرف زدن، به نوع صحبت کردن و نوع رفتار کردن. یادتان هست گفتم شرط اول برای انتخاب دوست، عقل و ایمان است؟